

**شورای سیاست­گذاری های حوزه علمیه خواهران**

**مرکز مدیریت حوزه­های علمیه خواهران**

**معاونت پژوهش**

**مقاله درسی سطح دو**

**عنوان:**

**قصاص در ادیان**

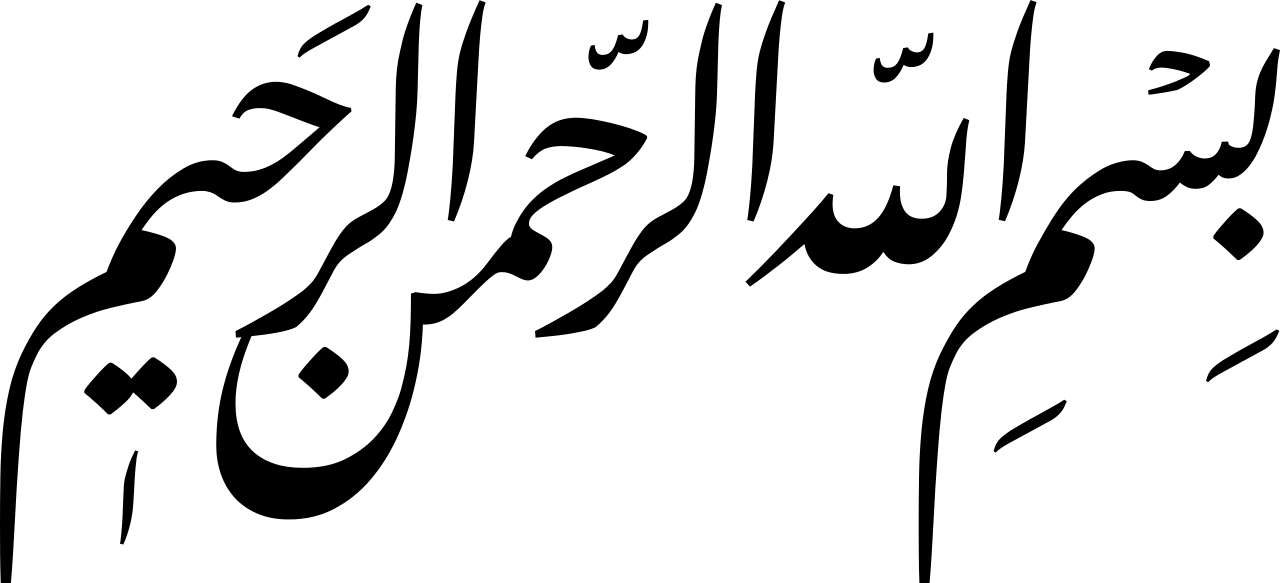
**استاد مربوطه:**

**سرکار خانم میرزایی**

**محقق:**

**سمیرا رشیدی**

**بهار 95**

****

**فهرست**

**چکیده ..................................................................................................................................2**

**قصاص در آیین زردتشت......................................................................................................3**

**نتیجه ....................................................................................................................................8**

**قصاص در آیین یهود .............................................................................................................9**

**نتیجه .....................................................................................................................................15**

**قصاص در آیین مسیحیت .....................................................................................................16**

**نتیجه .....................................................................................................................................20**

**قصاص در آیین مقدس اسلام ..............................................................................................21**

**نتیجه ....................................................................................................................................26**

**فهرست منابع .......................................................................................................................27**

**مقدمه**

انبیاء و کتاب­های آنان، همه از سرچشمه و برای یک هدفمند و یک دیگر را تصدیق می­کنند. اصول همۀ ادیان یکی است ولی شرایع آنها متعدد است. دین و شریعت، راهی است که ما را به حیات واقعی و انسانی می­رساند. قرآن مطابق با تمام ادیان الهی حکم کرده است. خطری که رهبران را تهدید می­کند، پیروی از تمایلات مردم و نادیده گرفتن حق است. خداوند مسائل مهم مانند قصاص را در ادیان تکرار و ضروری ذکر کرده است.

روی گردانی از داوری پیامبر، عامل سقوط و سبب عذاب الهی است و آنانی که چشم به قوانین بشری دوخته­اند و آن را راه کمال می­دانند، در ایمان و یقین خود شک کنند. تورات و انجیل نور هستند. اما خداوند در آیه 44 و 45 مائده خطاب به یهود که چون قانون خدا را تحریف می­کنند اشاره کرده است که دین را به بهای اندک می­فروشند و به جای خدا ترسی از مردم می­ترسند، آنان را ظالم و کافر می­شمارد و به حقوق افراد جامعه ظلم کرده است.

این تحقیق در راستای اثبات وجود حکم قصاص در ادیان الهی همچون یهود و مسیحیت است. در ادیان الهی احکام خداوند همیشه ثابت مانده و می­ماند و دلیل تحریف در این احکام نقض در انسان است نه احکام الهی.

**چکیده**

قصاص یک کلمه عربی که به معنای تلافی و مقابله به مثل ـ جزا ـ تنبیه، گوشمالی، تصفیه حساب است. اگر چه قصاص، کلمه ای عربی و ریشه در اسلام دارد، اما اجرای مجازات اعدام در مقابل قتل نفس، چه در ادیان توحیدی، و چه در ادیان غیر توحیدی، وجود داشته است که گاه اجرای این مجازات بسیار خشن و با شکنجه همراه بوده است.

پی­بردن به اصل مسئله قصاص به عنوان یکی از حقوق جامعه بشر می­توان به ضرورت آن در جامعه پی­برد و با اجرای اثبات حکم قصاص در دیگر ادیان الهی قبل از اسلام، می­توان پاسخگوی شبهات و اراده به این حکم الهی بود.

یکی از علل قصاص این است که انسان باید در هر حالتی میان بیم و امید باشد و مواظب کردار خود باشد. کلمات آسمانی هریک جایگاه مخصوصی دارد و ما باید تسلیم اوامر خدا باشیم. نه اینکه احکام الهی مطابق خواسته­های ما باشد. انسان­ها برای رسیدن به اهداف خود خواه نا خواه نیازمند رعایت اصول و مقرراتی است که اگراین اصول را رعایت نکند عواقبی را در پی خواهد داشت که نمی­توان آن را زیر پا گذاشت.

**مفاهیم کلیدی: قصاص، عهدین، وندیدا، یهود**

**بخش اول : قصاص در آیین زردتشت**

1-1) تاریخچه و منابع آیین زردتشت

آیین زردتشت یکی از آیین الهی و پدیده­های فرهنگی ایران باستان است که پایه تعالیم آن بر اساس: گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک می­باشد.

دین زردتشت در قرآن مجید در ردیف ادیان یهود و مسیحیت تحت عنوان "مجوس" ذکر شده استخداوند در سورۀ مبارکه حج می­فرمایید:

«ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئین و النصاری و المجوس والذین اشرکوا الله یفصل بینهم یوم القیامه ...»

"مسلماً کسانی که ایمان آورده­اند و یهود و صائبان و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنها در روز قیامت داوری می­کند ."[[1]](#footnote-2)

در قرآن واژۀ مجوس به کار رفته است. مفسرین و علمای اسلامی در این زمینه عقیده دارند: «منظور از مجوس قومی هستند که به زردتشت گرویده و کتاب مقدسشان" اوستا" است این قوم کتاب مقدس خود را در داستان اسیلاء اسکندر بر ایران به کلی از دست دادند و حتی یک نسخه از آن نماند تا آنکه در زمان ملوک ساسانی مجدد به رشته تحریر در آمد.» [[2]](#footnote-3)

آیین زردتشت یکی از ادیانی است که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد:

«ایرانیان زردتشتی، کلیمی، مسیحی تنهااقلیتهای دینی شناخته می شوند که در حدود در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی طبق آیین خود عمل می کنند. [[3]](#footnote-4)

2-1) منابع حقوقی آیین زردتشت

تعالیم زردتشت در کتاب "اوستا" بیان گردیده و دارای تفسیر است، تفسیری بر اوستا نوشتند که آنرا «زند» است سپس شرحی بر زند نوشتند و آن­را "پازند" نامیدند.

برخی عقیده داند وستا تفسیر زند است و زند صحف ابراهیم است .[[4]](#footnote-5)

استاد ممتاز ابراهیم پور داوود که اوستا را به زبان فارسی امروز در آورده است، چنین گوید که از دو نسک «وستای قدیم هفت معروف به وداتیک» بوده که ضمن مطالب دیگر از مسائل حقوقی بحث نموده و فقط یک نسک از هفت نسک باقی مانده که همان "وندیداد" است. وندیداد نزد پارسیان حکم سفرلاویان نزد قوم یهود است و مشتمل است بر 22 فرگرد یا فصل و فقط فرگرد چهارم درباۀ عقوم، خلف عهد و بیداد و جزای اعمال است. [[5]](#footnote-6)

مجموعه قوانین زردتشت در اصطلاح اوستا به نام وندیداد مرسوم است. وندیداد به معنای قانون ضد دیو یا ضد دشمن دیو می­باشد. واژه­های دادگستری، دادگاه نیز از ریشۀ واژۀ « داد Datem» اقتباس گردیده است، دادگستری محلی است که قانون را گسترش می­دهد و دادگاه یعنی محلی که بر اساس قانون حکم صادر می­کند . [[6]](#footnote-7)

3-1) اکنون مجموعه قوانین زردتشت یا وندیداد را مورد بررسی قرار می­دهیم.

شدیدترین جرایم و مجازات­ها در بندهای 40-42 ذکر شده که ترجمه آن به شرح زیر است:

بند 40- ای آفریننده، جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، هر گاه شخصی به دیگری چنان ضربت وارد نماید که بیهوش شود کیفر وی چه خواهد بود، اهورا مزدا پاسخ داد و گفت: کیفر وی نود ضربه تازیانه اسپاسه و نود ضربه سروشه خواهد بود .

بند 41- این جرم هرگاه در مرتبه دوم ارتکاب شود کیفر وی چه خواهد بود، اهورا مزدا پاسخ داد و گفت: این جرم در مرحله دوم به پسثوتن تبدیل می­شود و دویست ضربه تازیانه اسپاسه و دیویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود.

بند 42- هرگاه کسی به دیگری چنان ضربت زند که اورا بیهوش نماید کیفر وی چه خواهد بود، اهورا مزدا پاسخ داد و گفت: پسثوسن تبدیل می شود و دویست ضربه تازیانه اسپاسه و دویست ضربه تازیانه سروشه را سزاوار خواهد بود **.[[7]](#footnote-8)**

گروهی محققین عقیده دارند، وندیداد مجموعه­ای از قوانین رسمی است که در آن قصاص و انواع جرم انگاری قتل و تأثیر مجازات پیش بینی شده است و گفته شده­است که گناهان در دین زردتشت به سه دسته تقسیم شده­اند :

1.گناهانی که جبران ناپذیر بوده و به هیچ وجه قابل بخشایش نیستند. این گناهان عبارت بوده از قتل عمد ـ سقط جنین ـ غلام بارگی. هر کس حق داشت مرتکبین این جرایم را در حین ارتکاب به قتل برساند

2. گناهانی که پادامزه آنها توبه و استغفار است.

3. گناهانی که کیفر آنها انجام کارهای نیک یا تنبیهات بدنی بوده است.

از تحقیقات و بررسی هایی که محققین در زمینه­ی تاریخ ایران باستان به عمل آورده­اند معلوم می­شود که «جرم قتل» در اوستا از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تصمیم قبلی قاتل در ارتکاب جرم، تهیه وسایل ارتکاب جرم و نوع قتل ارتکابی در شدت و ضعف مجازات­ها تاثیر به­سزایی داشته است .**[[8]](#footnote-9)**

طبق قانون اوستا قاضی مکلف بود در موقع رسیدگی این نکات را روشن نماید و سپس حکم صادر کند:

1. جرم از روی قصد و وجدان ارتکاب شده است یا نه ؟
2. از روی اجبار این جرم ارتکاب شده است یا اختیار ؟
3. اولین دفعه است که مجرم مرتکب جرم شده یا سابقه تکرار جرم دارد ؟

اعدام درمورد مرتکبین قتل و ... اجرا می­گشت.

بر حسب مندرجات اوستا نطفه چهار ماه و یک روز بعد ار انعقاد عنوان جنین پیدا می­کند اگر کسی جنینی را سقط می کرد گناهکار شمرده می­شد و مجازاتش مجازات قتل عمد بود . [[9]](#footnote-10)

در ایران باستان پادشاهان هخامنشی و ساسانی قوانین و فرامین خود را طبق اوستایی بیان می­کردند. فرمان داریوش در زمینه جرائم علیه تمامیت جسمانی قابل دقت است در کتیبه نقش رستم چنین آمده است:

« داریوش بزرگ می­گوید هر کس آزاری برساند مطابق آزاری که رسانده است تنبیه می­کنم و هرگز اتفاق نیفتاده است که کسی آزار کرده است تنبیه نشده باشد. »

حقوق ایران در دوره باستان جنبه مذهبی داشت. خیانت به وطن و هتک ناموس و کشتن و ... کیفر مرگ داشت در این گونه حالات گناهکار را مجبور می­کردند زهر بنوشد یا او را به چهار میخ می­کشیدند یا او را به دار می­آویختند و سنگسارش می­کردند ... هر کس دیکری را به خطا می­کشت مجازاتش نود ضربه تازیانه بود. **[[10]](#footnote-11)**

4-1) بررسی جرائم در نامه تنسر

نامه­ی تنسر یکی از اسناد مهم درباره­ی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اداری و دینی ایران در دوره­ی ساسانیان است و نشان دهنده­ی آن است که در زمان ساسانیان حقوق و قضا رابطه­ی بسیار نزدیکی با دین داشته است در این نامه آمده است : بدان که عقوبات بر سه گناه است:

1. یکی میان بنده و خدای عزا سمُهُ که از دین برگردد و بدعتی احداث کند در شریعت .
2. یکی میان رعیت و پادشاه، که عصیان کند، یا خیانت و طغیان نماید .
3. یکی میان برادران دنیا، که یکی بر دیگری ظلم نماید .

با بررسی نامۀ فوق که به عنوان یکی از اسناد دورۀ ساسانیان در مورد حقوق و قضا می­باشد، ملاحظه می­شود یکی از جرائمی که پیش بینی شده است، جرائم میان افراد جامعه است که جرم قتل یکی از جرائم محسوب می­شود. بنابر این جرائم قتل، ایراد ضرب و جرح از جمله موضوعاتی بوده که در دستگاه قضایی ساسانیان مورد رسیدگی قرار می­گرفت. یکی دیگر از ویژگی های دورۀ ساسانیان توجه به سن مجرمین بود که تاثیر مهمی بر مسئولیت جزائی اشخاص داشت. کودکان از مسئولیت جزائی معاف بوده و نوجوانان دارای مسئولیت جزائی تخفیف یافته بودند **.[[11]](#footnote-12)**

**نتیجه**

1. مجموع تحقیقات و بررسی­ها نشان می­دهد که در آیین زردتشت و ایران باستان «قصاص» اهمیت زیادی داشت .
2. بر مبنای عنصر روانی، جرم انگاری و قصاص، توصیف مجرمانه انواع قتل عمد یا خطائی پیش بینی شده و سیاست جنائی بین مرتکبان جرائم عمدی و غیر عمدی تفاوت قائل شده بود .
3. هر یک از انواع جرم، مجازات جداگانه­ای داشت مثلا ارتکاب قتل عمدی، مجازات آن اعدام و برای ارتکاب قتل غیر عمدی 90 ضربه شلاق پیش بینی شده بود .
4. کودکان کمتر از 8 سال از مسئولیت جزائی مبری و از مجازات معاف بودند، نوجوانان تا 16 سال دارای مسئولیت جزائی تخفیف یافته بودند و افراد بالای سن 16 سال دارای مسئولیت جزائی کامل بودند .

**بخش دوم- قصاص در آیین آیهود**

1-2) منابع حوقی آیین یههود

حضرت موسی (علیه السلام) یکی از پیامبران اولوالعزم است که چندین قرن قبل از پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) از سوی خداوند متعال به پیامبری مبعوث شد و احکام شریعت حضرت موسی (علیه السلام) در کتابی به نام تورات بر او نازل شد.

کتاب تورات پس از مدتی از بین رفته است، امروزه برای پی بردن به احکام شریعت اسلام (علیه السلام)، از جمله احکام قضایی و کیفری و میزان مجازات به کتاب­های عهد "عتیق" و "تلمود" مراجعه می­شود که توسط علماء یهود نوشته شده است.

از تلمود یعنی مهم­ترین کتاب تشکیلات دین یهود به خوبی می­توان استنباط کرد که بعد از اسارت ملت یهود در بابل و حتی قبل از آن هم کتابی که مستقیماً از موسی (علیه السلام) به ملت یهود رسیده باشد وجود نداشته و تورت تحقیقاً بعد از فتح بابل به دست کوروش کبیر تنظیم گردیده است در تنظیم اصول مقرر به کتاب تورات از کتاب منشور حمور اینکه در زمان یکی از منابع مسلم علمای یهود بود نهایت درجه استفاده به عمل آمده است.[[12]](#footnote-13)

2-2) نخستین قتل ناحق در تاریخ بشر

کتاب "عهد عتیق" در مورد اولین قتل ناحق چنین می­نویسد: قائن (قابیل) فرزند آدم (علیه السلام) هدیه­ای نزد خدا آورد که قبول نشد ولی هابیل برادر کوچک­ترش هدیه­ای نزد خداوند آورد و خداوند آن را پذیرفت. قابیل از این واقعه به شدت ناراحت شد و سپس هابیل را در صحرا کشت.

با توجه به مطلب بالا و نکته به نظر می­رسد:

1. اولین قتل ارتکابی در تاریخ بشریت، قتلی است که توسط فرزند حضرت آدم ابوالبشر واقع شده است.
2. قتل مذکور از نوع قتل عمد همراه با تصمیم قبلی بود که قاتل در اثر ناراحتی و دشمنی نسبت به برادرش وی را کشت

3-2) ممنوعیت ارتکاب قتل به ناحق

کشتن انسان­های بی گناه و ارتکاب قتل از جمله جرائمی است که از دیدگاه شریعت موسی (علیه السلام) مورد نهی قرار گرفته و به عنوان عمل ممنوعی شناخته شده است.

در این زمینه در سفر خروج آمده است: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، بر همسایه خود شهادت دروغ مده، به خانه همسایه خود طمع مورز ...» [[13]](#footnote-14)

کشتن به ناحق هر شخصی، در حکم کشتن همۀ انسان های جهان بیان شده و تلاش برای حیات نجات یک نفر از مرگ، در حکم نجات جان همۀ اشخاص بیان شده است. در کتاب تلمود آمده است: « آدم ابوالبشر در آغاز خلقت به صورت یک فرد تنها آفریده شد، تا این درس را به ما تعلیم دهد، که هرکس جان انسانی را تباه سازد و او را هلاک کند، تورات در حق او چنین حکم می­کند که گویی همۀ جهانیان را نابود کرده است و هرکس جان انسانی را از نابودی نجات بخشد، تورات دربارۀ او چنین حکم کرده که گویی همۀ جهانیان را نجات داده است. شما بگویید (از آنجا که مسئولیت اینقدر سنگین است). پس چرا این دردسر را برای خود بسازیم. [[14]](#footnote-15)

3-2) انواع جرم قتل و قصاص آن

کتاب تورات انواع قتل را در سفر اعداد به این شرح آورده است :

این شش شهر برای شما ملجابا شد(16) تا هر که شخصی را سهوا کشته باشد و به آنجا فرار کند و اگر او را با آلت آهنین زد و مُرد او قاتل است(17) و قاتل البته که کشته شود و اگر او را به دست خود به سنگی زد که از آن کسی کشته شود(18) بزند تا بمیرد و قاتل البته که کشته شود (19) و اگر آن را به چوب دستی که با آن کسی کشته شود، بزند تا بمیرد او قاتل است و قاتل البته کشته شود (20) او را با تیغ زد که مرد آن زننده چون که قاتل است، البته کشته شود (21) هر که شخصی را بکشد پس قاتل به گواهی شاهدان کشته شود. هیچ فدیه به عوض جان قاتل که مستوجب قتل است، میگیرد بلکه او را البته کشته شود (30)

همچنین در کتاب تلمود آمده است: «هنگامی که وقوع قتل برای دادگاه ثابت شود، یکی از این دو مجازات را دربارۀ شخص محکوم اجرا می­کنند تبعید به شهر پناهگاه. در صورتی که قتلی سهوا و بر اثر تصادفی که در نتیجه سهل انگاری و تقصیر متهم است رخ نداده باشد و یا اجرای حکم اعدام در موردی که آدم کشی عمدی بوده، یا در نتیجه سهل­انگاری با نیت جنایت­کارانه اتفاق افتاده باشد » [[15]](#footnote-16)

با دقت در مطالب مذکور استنباط می شود که قتل در کتاب تورات سه نوع است:

1. قتل عمدی
2. قتل خطایی
3. قتل در اثر سهل انگاری با نیت جنایتکارانه که برای مرتکب آن­ها، مجازات اعدام پیش بینی شده است.

5-2) مصادیق مهم قتل عمدی

هرگاه شخصی به یکی از روش­های زیر مرتکب قتل شده باشد در این صورت قتل عمدی محسوب می­شود:

1. ایراد صدمه منتهی به مرگ با وسیلۀ آهنین
2. ایراد صدمه منتهی به مرگ با پرتاب سنگ
3. ایراد صدمه منتهی به مرگ با چوب دستی که غالبا کشنده باشد
4. ایراد صدمه منتهی به مرگ با تیغ یا شئ برنده
5. ادای شهادت دروغین منتهی به صدور حکم اعدام
6. سهل­انگاری در نگهداری گاوی که عادت به شاخص زدن دارد و در اثر شاخ زدن شخصی را که کشته باشد، در این صورت گاو سنگسار می­شود و صاحبش نیز کشته می­شود.

6-2) مصادیق مهم قتل خطایی:

1. قتل ناشی از ایراد صدمه قتل غیر عمدی منتهی به مرگ بدون دشمنی قبلی
2. قتل ناشی از افتادن بام غلتان بر روی عابر
3. قتل ناشی از ضربات شلاق اضافی مامور اجرای حکم
4. قتل ناشی از اصابت آهنتبری که درحین کار از دستش جدا شده است

7-2) مصداق قتل در اثر سهل انگاری بانیت جنایتکارانه

«قتل دشمن از روی سهو تنها موردی که برای این نوع قتل ذکر شده است، که کسی که دشمن خود را ظاهرا از روی سهو کشته باشد اعدام می­شود زیرا او به عنوان شخصی که علاقه به صدمه زدن به دشمن خود دارد شناخته شده است. اگر کسی دشمن خود را سهوا کشته باشد، گاهی تبعید می­شود و گاهی نمی­شود و به اعدام محکوم می­شود. [[16]](#footnote-17)

8-2) مجازات قتل عمدی

با بررسی در میزان مجازات­ها در آیین یهود، ملاحظه می­شود که دو نوع مجازات برای ارتکاب قتل عمدی پیش بینی شده است که عبارت اند از: الف) قصاص ب) حبس ابد

الف- قصاص :

سفر اعداد مجازات قتل عمدی را قصاص ذکر نموده و در این زمینه آمده است: «صاحبان خون و منجی علیه تکلیف دارند که فدیه یا خون بها نگیرند بلکه هرجا که قاتل را بیابند وی را بکشند. [[17]](#footnote-18)

به عبارت دیگر آیین یهود حق سازش و بخشش را از صاحبان خون سلب نموده است و تکلیف راکشتن قاتل می­داند.

اصل قصاص نفس در شریعت موسی (علیه السلام) پذیرفته شده و احکام آن در تورات بیان شده و سنگینی مجازات قتل ناشی از جلال و عظمت مقام انسان و ویژگی­های خلقت وی ذکر شده است. در زمینه در سفر تکوین آمده است:

انتقام جان انسان را از دست برادرش خواهم گرفت. هر که خون انسان ریزد خون وی به دست انسان ریخته شود، زیرا خداوند انسان را به صورت خود ساخت. [[18]](#footnote-19)

ب- مجازات حبس ابد

به استناد کتاب تلمود برای مرتکب قتل عمدی در یک مورد مجازات حبس ابد تعیین شده و در این زمینه آمده است: «در این مورد یک قاتل عمد محکوم به حبس ابد می­شود: کسی که مرتکب قتل عمد شده باشد. لکن هنگام ارتکاب در صحنه جنایت شاهدی ناظر بر این قتل نباشد. او را زندان می­کنند و به وی دو نان ضیق و آب محنت می­دهند .» (اشعیاء 30:20) [[19]](#footnote-20)

9-2) مجازات قتل خطایی

در آیین یهود هرگاه شخصی مرتکب قتل خطایی می­گردید، باید به یکی از شهرهای حرام که محل امنی بوده، پناه ببرد و برای مدتی از آنجا خارج نشود تا صاحبان خون، قاتل را مشاهده نکنند در غیر این صورت ولی دم حق داشت از قاتل انتقام بگیرد.

در سفر خروج آمده است: «کسی که تعهد نداشته باشد بلکه خدا مرگ را به دست او واقع ساخته باشد، برای او مکانی را قرار می­دهیم که به سوی او بگریزند .

همچنین بر او لازم می­شود یک یاز آن شهرها که موسی (علیه السلام) برای قاتلان احداث و بنا کرده است بگریزند تا صاحب خون از پشت سر او ندود تا هنگامی که راه دور است و قلب او از داغی و طپش خسته شده به چنگ ولی دم افتد و به دست او کشته شود . [[20]](#footnote-21)

به نظر می­رسد علی رقم این اصل که هیچ کس برای کاری که بدون قصد انجام دهد مسئولیت کیفری و مجازات ندارد ولیکن دین یهود، استثنائی بر این اصل قائل شده و در صورت وقوع قتل خطایی، برای مرتکب آن، مسئولیت کیفری و مجازات پیش بینی نموده است .

نتیجه

1. به نظر می­رسد بر مبنی انواع قتل پیش بینی شده است که:

الف) قتل عمدی ب) قتل در اثر سهل انگاری با نیت جنایتکارانه ج) قتل خطایی

1. اولین قتل در تاریخ بشریت از نوع قتل عمدی توام با تصمیم قبلی بود که توسط فرزند آدم وقع شد.
2. آدم کشی آن­چنان عمل شنیعی شناخته شده که کشتن یک نفر به منزلۀ کشتن همه افراد جامعه معرفی شده است .
3. حق هرگونه صلح و سازش و دریافت خون بها از صاحبان خون سلب می­شود و قصاص قاتل به عنوان تکلیف معرفی شده است.
4. برای قتل خطایی مجازات تبعید به یکی از شهر های امن پیش بینی شده است که قاتل می­بایست به یکی از آن شهرهای امن پناه ببرد، البته صاحبان خون می­توانند در خارج از شهر های امن مرتکب قتل خطایی را بکشند.

**بخش سوم- قصاص در آیین مسیحیت**

1-3) تاریخچه و منابع آیین مسیح

آیین مسیحیت یکی از ادیان بزرگ آسمانی قبل از آیین مقدس اسلام است، خداوند متعال در 20 قرن قبل احکام شریعت این دین را در کتاب مقدس «انجیل» بر حضرت عیسی (علیه السلام) به عنوان چهارمین پیامبر اولوالعزم نازل فرموده که این موضوع در آیاتی از قرآن کریم به تایید رسیده است.

امروزه مسیحیان به گروه­های پروتستان و کاتولیک تقسیم می­شوند. برای یافتن احکام شریعت حضرت مسیح (علیه السلام) از جمله احکام جزا و کیفر و قصاص، باید به کتاب مقدس "عهد جدید" که شامل :

* انجیل متی
* انجیل مرقس
* انجیل لوقا
* انجیل یوحنا مراجعه گردد . [[21]](#footnote-22)

2-3) ممنوعیت ارتکاب قتل از دیدگاه آیین مسیح (علیه السلام)

در شریعت عیسی (علیه السلام) یکی از اعمالی که تحریم شده، ارتکاب قتل است. در کتاب مقدس آمده است که حضرت مسیح فرمود: «آن­چه از آدم بیرون می­آید آن است که انسان را ناپاک می­سازد زیرا که از درون دل انسان صادر می­شود. خیالات بد، فسق و قتل و دزدی و طمع و خیانت و مکر و شهوت پرستی و چشم بد و غرور و جهالت تمام این چیزهای بد از درون انسان صادر می­گردد و آدم را ناپاک می­گرداند. [[22]](#footnote-23)

حضرت عیسی ( علیه السلام) به جنبه­های اخلاقی و معنوی زندگی اهمیت زیادی می­داد و گذشت و چشم­پوشی از بدی­های مردم را کار نیکویی می­دانست. لذا پرهیز و خودداری از ارتکاب جرائم در مسیحیت به عنوان یکی از شرایط رسیدن به حیات جاودانه شناخته شده است.

روزی حضرت مسیح راه می­رفت شخصی دوان دوان پیش او زانو زد و سوال نمود که ای استاد نیکو چه کنم تا وارث حیات جاودانه شوم؟ عیسی بدو گفت: چرا مرا نیکو گفتی و حال آنکه نیکو نیست جز فقط خدا، احکام را می­دانی. قتل مکن، شهادت دروغ مده، پدر و مادر خود را حرمت بدار.

با بررسی مطالب فوق استنباط می­شود که ارتکاب جرم در شریعت مسیح تحریم شده است و خودداری از ارتکاب جرم به عنوان یکی از اعمال نیک و از جمله شرایط رسیدن به حیات جاودانه است. [[23]](#footnote-24)

3-3) مسئولیت قاتل و صاحبان خون در آیین مسیحیت

هرگاه شخصی مرتکب ایراد ضرب و جرح عمدی منتهی به نقص یا قطع عضو دیگری شود، منجی علیه حق انتقام و خون خواهی ندارد، بلکه دستور داده شده که میان جانی و منجی علیه صلح و سازش داده شود. در کتاب مقدس آمده است: «شنیده­اید که گفته شده است چشمی به چشمی و دندانی به دندانی ولیکن من به شما می­گویم با شریر مقاومت مکنید بلکه هرکه با اشاره [ گونه یا رخساره ] راست تو تپانچه [سیلی] زند دیگری [گونه چپ صورت] را نیز به سوی او بگردان ...

شنیده­اید گفته شده که همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن اما من به شما می­گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن­کنندگان خود برکت طلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و هر که به شما فحش می­دهد و جفا رساند دعای خیر کنید. [[24]](#footnote-25)

4-3) بررسی نظریه برخی از محققین

دکتر عوض احمد ادریس یکی از محققین کشور مصر، چنین می­نویسد: «دعوت حضرت مسیح به عفو و گذشت و چشم­پوشی از بدی­های مردم به معنی لغو و سنخ احکام قصاص نیست... و آنچه از محروم شدن منجی علیه از اقدام به خون­خواهی و قصاص فهمیده می­شود و آن­چه از محبوبیت سازش میان منجی علیه و جانی استفاده می­گردد این است که معمولا این مصالحه و سازش با مقداری از مال تحقق می­یابد، زیرا این منطق قابل قبولی نیست که انسان را هم از عین حق او و هم از عوض محروم گرداند.

همچنین اندیشمندان حقوقی عقیده دارند که آیین مسیحیت در پیشرفت حقوق جزا پیشرفت مهمی داشته است . [[25]](#footnote-26)

5-3) تاثیر آیین مسیحیت در پیشرفت حقوق جزا

برخی از حقوق­دانان عقیده دارند حقوق جزا در تحولات خود تحت تاثیر آیین مسیحیت قرار گرفته­است تائید مهم مسیحیت در امور کیفری را می­توان مخالفت با شکنجه، ورود مفهوم مسئولیت در امور کیفری و بالاخره طرح­های اولیه اصلاح مجرمین دانست یکی از اصول مذهب مسیحیت رأفت و عشق به هم­نوع است مبنای دین بر دوستی، گذشت، ترحم و رأفت هم برقرار شده است ... آقای مارک آنسل در کتاب دفاع اجتماعی نوین به نقل از ماییون در مقایسه هدف از قضاوت­های مذهبی با قضاوت­های عرفی می­نویسد :

«در قضاوت عرفی و غیرمذهبی هدف حفظ نظم و ایجاد ترس و وحشت در بدکاران و مجرمین است، در صورتی که در حکم­های قضاوت­های شرعی همۀ جنبه­های امور، خاصه نجات روح مجرمین مورد نظر است. [[26]](#footnote-27)

از آنجایی که این مفاهیم با عقل و منطق بشر سازگار است، لذا نتایج مذکور مورد توجه بعضی از حقوق­دانان قرار گرفته و در قوانین و مقررات قانونی کشورها تدوین شده است. بنیان­گذاران و طرفداران مکاتب حقوقی معاصر نیز همواره اهداف و نظریات خود را اصلاح مجرم و جامعه بیان می­کنند. با مطالعه کتاب مقدس بنظر می­رسد که شریعت عیسی (علیه السلام) شامل تعلیمات اخلاقی است. تعلیمات اخلاقی هرچند تحولی عمیق در رفتار انسان­ها و پیشرفت خوبی در حقوق جزا به وجود می­آورد، ولیکن به تنهایی نمی­تواند آدم­کشی، تجاوز و ستم به حقوق افراد جامعه را کنترل نماید، لذا به همین دلیل بود که پیروان آیین مسیح از تعلیمات مسیحیت شانه خالی کردند و به مرحلۀ قانون­گذاری کلیسا روی آوردند و مسئولین کلیسا تحت تاثیر عرف، حقوق مردم، مصالح و منافع خود، قانون وضع کردند و متاسفانه سختگیری­های زیادی رواج یافت و مجازات­هایی از قبیل زندان ابد، زندان موقت، کفاره­های دینی، راندن و طرد از کلیسا قانونی شد. [[27]](#footnote-28)

**نتیجه**

1. سیاست جزائی آیین مسیحیت، طبق کتاب انجیل، بر مبنای جنبه­های اخلاقی و معنوی زندگی استوار است و ارتکاب قتل، عمل ممنوع و ضد اخلاقی شمرده شده است.
2. در صورت وقوع جرم قتل به صاحبان خون دستور داده شده که از قاتل حق قصاص و خون­خواهی ندارند، بلکه باید با یکدیگر صلح و سازش نمایند.
3. به نظر می­رسد بحث لغو مجازات­های اعدام و قصاص که امروزه در بین حقوق دانان دنیا مطرح می­باشد با افکار و عقاید مسیحیت مطابقت داشته باشد .

**بخش چهارم- قصاص در آیین مقدس اسلام**

1-4) تاریخچه و منابع مقدس اسلام

آیین مقدس اسلام آخرین دین الهی است که احکام شریعت آن در 4 قرن قبل در کتاب قرآن در مکه بر پیامبر اسلام، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان خاتم النبیین نازل گردید. جزئیات و شرح احکام اسلام در کتاب فقهی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

2-4) بررسی جرم قتل از دیدگاه قرآن

در آیات الهی قرآن کریم واژه "قتل" 12 مرتبه با مشتقات آن جمعا 17 مرتبه به کار رفته است که برخی از آیات مربوط به تشریع مقررات جرم قتل نفس می­باشد. با بررسی آیات شریفه قران کریم در زمینه «عنصر روانی جرم قتل» ملاحظه می­شود دو آیه وجود دارد، که بیان می­گردد:

1. قتل عمدی در آیه شریفه 93 در سورۀ مبارکه نساء بیان گردیده است:

وَ مَن یَقتلُ مُومِناً مُتَعَمِدّاً فَجراوه جهنم خلداً فیها و غَضِبَ اللهُ عَلَیه و لَعَنَهُ و اَعَدَّ لَهُ عَذاباً عظیماً .

ترجمه: و هرکس فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است، در حالی که جاودانه درآن می­ماند و خداوند بر او غضب می­کند و او را از رحمتش دور می­سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

در تفسیر کلمه تعمد آمده است که از اینکه انسان قصد کاری کند به همان عنوانی که فعل داراست و چون فعل اختیاری خالی از قصد عنوان نیست و همچنین اتفاق می­افتد که یک فعل بیش از یک عنوان داشته باشد لذا ممکن یک فعل، از یک جهت عمدی باشد و از جت دیگر خطائی مثلا کسی که به یک «سنج» تیر اندازی می­کند به خیال اینکه شکار است درحالی­که در واقع انسان است، اگر آن انسان را بکشد، نسبت به قتل و صید و شکار، عامد و نسبت به قتل انسان خاطی است. و همچنین اگر انسانی را به قصد تأدیب با عصا بزند ولی آن ضربت، انسان مذبور را بکشد باز هم قتل، قتل خطاست، بنابراین کسی که مومنی را از روی عمد می­کشد، کسی خواهد بود به وسیلۀ کاری که انجام می­دهد قصد قتل مومنی را دارد با علم به این­که آن کار قتل است و این مقتول مومن است. خداوند متعال با عظمت تمام، به کسی که مومن را از روی عمد بکشد وعدۀ آتش جاویدان داده است.[[28]](#footnote-29)

قتل خطایی و پاره­ای از احکام آن در آیه شریفه 92 سوره مبارکه نساء بیان شده است:

و ما کانَ لِمومِنُ اَن یقتُلَ مؤمِناً اِلاّ خَطاً و من قَتَلَ مُؤمناً خَطاٌ فَتَحریرُ رَقَبَهٍ مُؤمنهٍ و دیتهٌ مُسَلَمَهٌ ...

هیچ فرد با ایمانی مجاز نیست که مومنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سر زند، و در عین حال کسی که مومنی را از روی خطا به قتل برساند، باید یک بردۀ مومن را آزاد کند و خون­بهایی به کسان او بپردازند، مگر اینکه آنها خون­بها را ببخشند. و اگر مقتول، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند ولی مقتول با ایمان بوده، تنها باید یک برده مومن را آزاد کند. ( و پرداختن خون­بهای او را به کسان او بپردازد و یک برده مومن را نیز ازاد کند. و آن کس که دسترسی به آزاد کردن برده ندارد، دوماه پی در پی روزه می­گیرد و این یک نوع تخفیف و توبه الهی است) خداوند دانا و حکیم است . [[29]](#footnote-30)

در تفسیر این آیه علامه طباطبایی می­فرماید:

مراد از خطا در این آیه مقابل عمد است. یعنی بعد از آنکه کسی در حریم ایمان داخل شد اقتضاء قتل مومن دیگری که در ایمان مثل خود اوست، در او پیدا نمی­شود، هر قتلی می­خواهد باشد، مگر آنکه خطا باشد. یعنی اینکه مومن هیچ وقت نمی­خواهد مومنی را از آن جهت که مومن است بکشد. یعنی با آنکه می­داند مومن است درصدد کشتن او برآید. خداوند قتل مومن را حرام کرده مگر در قتل خطا چون در قتل خطا قاتل قصد قتل مومن نکرده و یا اصلا قصد کشتن نداشته و یا قصد کشتن داشته ولی به گمان اینکه مقتول کافر است، او را کشته است و بنابراین در این مورد حرمتی جعل نشده است . [[30]](#footnote-31)

3-4) انواع جرم قتل و قصاص از دیدگاه فقها

گروهی از فقهای اهل سنت از جمله مالک بن انس مؤسس مذهب مالکیه انواع قتل را دو نوع دانسته و اقسام دیگری را قبول ندارد و مستند آن را نصوص قرآنی بیان کرده است.

قتل دو نوع است: الف) قتل عمد ب) قتل خطا

دلیل بر این تقسیم بندی دو آیه قرآن است که بیان شد خداوند قسم سومی را وضع نکرده است.

بسیاری از فقهای اسلامی اعم از شیعه و سنی \_هرچند در تطبیق برخی از مصادیق آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند\_ انواع قتل را بر حسب عنصر روانی به سه نوع کلی تقسیم کرده اند که عبارتند از:

* قتل عمد
* قتل شبه عمد
* قتل خطایی

ابو حنیفه نیز انواع قتل را بر حسب عنصر روانی بر 5 نوع تقسیم می کند:

1. قتل عمد
2. قتل شبه عمد
3. قتل خطا
4. جاری مجری خطا
5. قتل بالتسیب [[31]](#footnote-32)

4-4) حرمت ارتکاب قتل عمدی

خداوند در زمینه حرمت ارتکاب قتل عمدی می­فرماید:

من قَتَلَ نفساً بغیرٍ نفسٍ اَو فسادٍ فی الارض فَکا نمّا قَتَل الناسَ جمیعاً و مَن اَحیاها فَکانما اَحیا الناس جمیعاً [[32]](#footnote-33)

هرکس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی­آن­که فساد و فتنه­ای بر روی زمین کند به قتل برساند مثل آن باشد که همۀ مردم را کشته و هرکه نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که هکۀ مردم را حیات بخشیده.

و خداوند در زمینه مجازات قتل عمدی می­فرماید:

« یا ایّها الذّین آمَنوا کُتِبَ عَلَیکُم القِصاص فی القَتَلَی اَلحُرُّ و العَبدُ بالعَبد و الاُنثی فَمَن عُنِیَ له من خیه شَیءٌ فَاِتباعُ بالمعروفِ...

ای افرادی که ایمان آورده­اید! حکم قصاص درمورد کشتگان، بر شما نوشته شده­است. آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او تبدیل به خون­بها گردد) باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر گیرد) و او [قاتل] نیز، به نیکی دیه را به ولّی مقتول بپردازد و در آن مسامحه نکند، این تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما، او کسی است که بعد از آن ، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت .[[33]](#footnote-34)

5-4) فلسفه قصاص

خداوند متعال در زمینه فلسفه قصاص می­فرماید:

و لکم فی القصاص حیوه یا اولی الالباب لعلَّکُم تتَّقون [[34]](#footnote-35)

و قصاص برای حفظ حیات شماست ای خردمندان تا مگر از قتل یکدیگر بپرهیزید.

**نتیجه**

1. با تحقیقات و بررسی آیات شریفه قرآن کریم به نظر می­رسد دو نوع قتل پیش­بینی شده است:

الف- قتل عمدی ب- قتل خطایی

1. فقهای اسلام انواع مختلفی را برای قتل بیان کرده­اند که طبق قول مشهور:

الف- قتل عمدی ب- قتل شبه عمد یا شبه خطا ج- قتل خطا

1. ضابطه تشخیص قتل عمدی عبارت است از:

* در صورتی که قاتل، سوء نیت یا قصد کشتن منجی علیه را داشته باشد.
* قاتل، قصد ایراد صدمه به منجی علیه را داشته و با کار نوعاً کشنده، به منجی علیه صدمه­ای وارد نماید که منجر به مرگش شود.

1. ضابطه تشخیص قتل شبه عمد: مرتکب، قصد ایراد صدمه یا انجام کاری بر منجی علیه را داشته ولیکن قصد کشتن منجی علیه را نداشته و کار و صدمه وارده نوعاً کشنده نباشد.
2. ضابطه تشخیص قتل خطا عبارت است از: مرتکب قصد انجام کاری یا ایراد صدمه به منجی علیه را نداشته باشد.
3. قتل عمدی بسیار شنیع شناخته شده که کشتن یک نفر به منزله کشتن همۀ انسان­های جامعه تلقی شده است.
4. صاحبان خون می­توانند حق قصاص را به قاتل صلح کنند و خون­بها دریافت کنند.

**منابع**

قرآن

انجیل

1 اشرف، احمدی، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان، وزارت فرهنگ و هنر.

2ارسطو افلاطونی، حقوق در ایران باستان، شرکت سهامی طبع کتاب، سال 1324.

3 علی اکبر، دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج 3، ص 3125، چاپ اول، دانشگاه تهران 1372.

4 علی پاشا صالح، فرهنگ نامه صالح، ج3، زیر نظر دکتر پرویز صانحی، چ اول، دانشگاه تهران 1376.

5پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج اول، چاپ 5، گنج دانش.

6 سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج4، ص 538 تا 532، چاپ 8، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1362 .

7 عهد عتیق، سفر خروج، ترجمه ولئن گلن، انجمن پخش کتب مقدسه بین الملل، باب چهارم 26-1.

8 مجوعه قوانین و مقررات روزنامه رسمی، زیر نظر حسین کریمی، چاپ اول، 1373.

9 فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق درحقوق جزای عمومی اسلامی ، چاپ سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد.

10 مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه فارسی قرآن مجید، دارالقرآن کریم.

11 کیخسرو مقدم، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

12 موسوی، جوان، مجموعه قوانین زردتشت یا وندیداد اوستا، چاپخانه رنگین، 1342.

1. قرآن، سوره حج(22)، آیه 17 [↑](#footnote-ref-2)
2. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج 4، چاپ 8، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1362، ص 532 [↑](#footnote-ref-3)
3. مجوعه قوانین و مقررات روزنامه رسمی، زیر نظر حسین کریمی، چاپ اول، 1373، ص 13 [↑](#footnote-ref-4)
4. علی اکبر، دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج 3، چاپ اول، دانشگاه تهران 1372، ، ص 3125 [↑](#footnote-ref-5)
5. علی پاشا صالح، فرهنگ نامه صالح، ج3، زیر نظر دکتر پرویز صانحی، چ اول، دانشگاه تهران 1376، ص 197-195 [↑](#footnote-ref-6)
6. موسوی، جوان، مجموعه قوانین زردتشت یا وندیداد اوستا، چابخانه رنگین، 1342، ص 3 [↑](#footnote-ref-7)
7. موسوی، جوان، مجموعه قوانین زردتشت یا وندیداد اوستا، چاپخانه رنگین، 1342، ص 109 [↑](#footnote-ref-8)
8. ارسطو افلاطونی، حقوق در ایران باستان، شرکت سهامی طبع کتاب، سال 1324، ص 47-49 [↑](#footnote-ref-9)
9. اشرف، احمدی، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان، وزارت فرهنگ و هنر، ص 242 [↑](#footnote-ref-10)
10. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج اول، چاپ 5، گنج دانش، ص82-88 [↑](#footnote-ref-11)
11. اشرف، احمدی، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان، وزارت فرهنگ و هنر، ص 135 [↑](#footnote-ref-12)
12. کیخسرو مقدم، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ص 120 [↑](#footnote-ref-13)
13. عهد عتیق، سفر خروج، ترجمه ولئن گلن، انجمن پخش کتب مقدسه بین الملل، باب چهارم 26-1 [↑](#footnote-ref-14)
14. تلمود ص 313 [↑](#footnote-ref-15)
15. عهد عتیق، سفر خروج، ترجمه ولئن گلن، انجمن پخش کتب مقدسه بین الملل، باب چهارم 26-1 [↑](#footnote-ref-16)
16. مجلۀ دیدگاه های حقوقی شماره 8، ص 212-214 [↑](#footnote-ref-17)
17. عهد عتیق، سفر اعداد، ترجمه ولئن گلن، انجمن بخش کتب مقدسه بین الملل، شماره 21-17 [↑](#footnote-ref-18)
18. عهد عتیق، سفر تکوین، باب نهم، شماره 5، ترجمه ولئن گلن [↑](#footnote-ref-19)
19. تلمود ص 322 [↑](#footnote-ref-20)
20. تلمود، ص 318 [↑](#footnote-ref-21)
21. فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی ، چاپ سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد، ص 28-24 [↑](#footnote-ref-22)
22. انجیل مرقس باب 7 [↑](#footnote-ref-23)
23. فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی ، چاپ سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد، ص 28-24 [↑](#footnote-ref-24)
24. انجیل متی، باب 5، شماره 44-38 [↑](#footnote-ref-25)
25. فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی، چاپ سوم، ص 81 [↑](#footnote-ref-26)
26. فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلامی، چاپ سوم، ص 151 [↑](#footnote-ref-27)
27. همان ، ص 25-24 [↑](#footnote-ref-28)
28. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج 5، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، ص 66 [↑](#footnote-ref-29)
29. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه فارسی قرآن مجید، دارالقرآن کریم، ص 93 [↑](#footnote-ref-30)
30. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج 5، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، ص 65-63 [↑](#footnote-ref-31)
31. دیدگاه های حقوقی شماره هشتم، سایت مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ص 228 [↑](#footnote-ref-32)
32. سوره مائده(5)، آیه 32 [↑](#footnote-ref-33)
33. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه فارسی قرآن مجید، دارالقرآن کریم، ص 27 [↑](#footnote-ref-34)
34. سوره بقره(1)، آیه 179 [↑](#footnote-ref-35)